

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

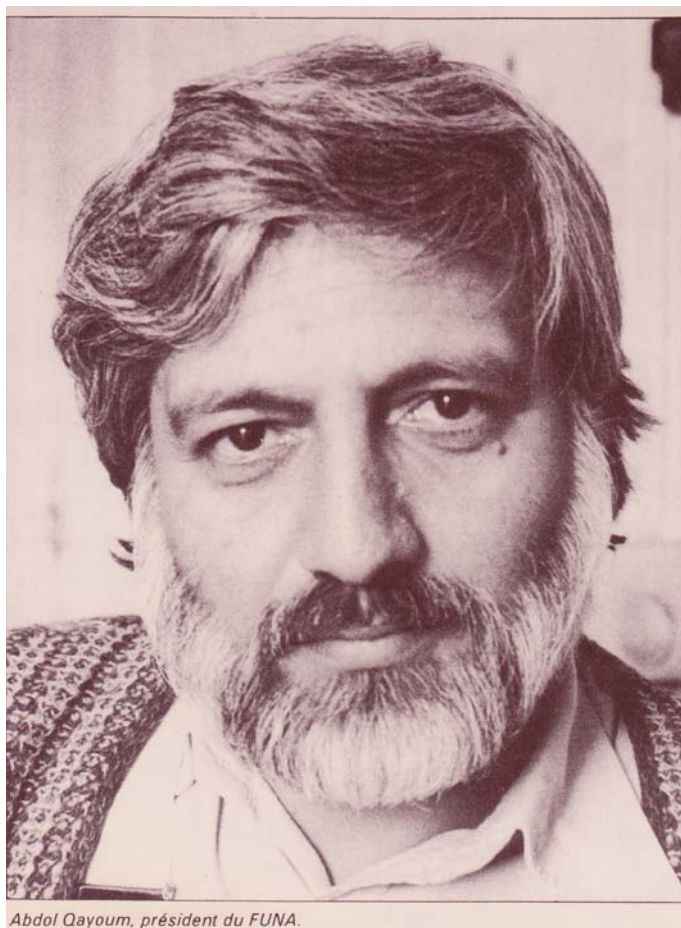
Political

سیاسی

نویسنده: زنده یاد رهبر

۱۱/۰۱/۲۸

تبانی و ترور



Abdol Qayoum, président du FUNA.

زنده یاد شهید پروفیسر عبدالقیوم «رهبر»

همزمان با گفتگو هائی پیرامون توافقات بین المللی روی مسأله افغانستان ، ائتلافات و تناقضات تازه ای در خطوط درونی مقاومت ، چنانچه فی مابین مقاومت و دشمن ، پدیدار گشته است که نمود خود را در صف بندی های سیاسی، در رابطه با حکومت ائتلافی ، موقتی ویا "حل سومی" چنانچه در آرایش جدید سیاسی – نظامی نیروها نشان میدهد . ولی آنچه درین میان برجستگی و اهمیت دارد موج تروریستی است که علیه مردم و به ویژه علیه نیروهای ملی و انقلابی سر کشیده است و تفسیر خود را در تعقیدات و تشدید اوضاع سیاسی جنبش آزادیبخش ملی ما می یابد.

استعمار به ایجاد ترور و وحشت نیاز دارد:

استعمار سر نوشت و مقدرات مردم را لگدمال می کند ، آزادی آنها را می رباید ، تاریخ مردم را تخطئه مینماید ، به استثمار بیرحمانه توده های ملیونی مردم می پردازد و برای حفظ موقعیت مسلط استعماری را ه ها و وسایل متعددی را بکار می بندد .

اگرچه استعمار همواره می کوشد تا مردم را تحمیق کرده تهاجم خود را بر کشور مورد تجاوز – انتقال مدنیت – کمک انساندوستانه – همکاری برادرانه – ودفاع از انقلاب – وانمود سازد ، پرده ای افسانه ای – انسانی – و- رسالت مند – را بر غارت، چپاول و آدم کشی خود بگسترد، چنانچه می کوشد از طریق دامن زدن به انگیزه های مادی از طریق قشر طفیلی در میان مردم نیاز مند راه باز کند. ولی تجارب تاریخی نشان داده است که استعمار عمدهً و اساساً می کوشد از راه ایجاد ترور و وحشت در میان مردم، آنها را از مبارزه و مخالفت باز دارد .

گسترش ترس و رعب در میان مردم و ایجاد خوف از عملیات انتقامجویانه استعمار و مزدوران او پایه و اساس سیاست استعماری است - سیاست زمین های سوخته - فاشیسم هیتلری در زمان جنگ عمومی دوم و قتل مردمان بیگناه ، کوره های آدم سوزی ، کشتار مردم بدون محکمه ودفاع قانونی، حمله بر زندگی شخصی وتفتیش عقاید همگی برای رسوخ اقتدار فاشیستی نازیها ضرورت اجتناب ناپذیر بود که بدون آن نازیها نمیتوانستند ملت المان را بدون مقاومت به کشتار ملت ها و توده های ملیونی دیگر وادارند.

در کشور ما نیز وقایع نظیر آن فراوان دیده شده است . اکنون همگی به خاطر دارند که چگونه چوچه سگان روسی به قدرت رسیده بر خانه وجان مردم ریختند. قتل عام کیراله در ولایت کنر برای این به وجود آمد که ضرب شستی برای قریه های همسایه نشان دهد . قتل عام مردم هرات به هدف جلوگیری از گسترش شورش مردم علیه مزدوران روسی آغاز یافت ، قتل عام مردم وریش سفیدان کلکان برای ترساندن مردم از حمایت نیروهای سازمان ما رویدست گرفته شد ، قتل عام بامیان، قتل عام دره صوف و ... که در هر کدام هزاران تن پیر مرد ، جوان ، کودک وزنان را قتل عام کردند ، همگی برای رسوخ اقتدار دولت دست نشانده " خلقی " ضروری دانسته میشد . اکنون همگی به خاطر دارند که مسئولین نظارت خانه ها، توقیف خانه ها ، محابس صدارت وپلچرخ، برای لست گرفتن افرادی که شبانه برای تیرباران برده می شدند ، می آمدند و دسته دسته مردم را بدون محاکمه وپرسش به کشتارگاه می بردند .

امین جلال لست دوازده هزار زندانی سیاسی را اعلام کرد که دولت تره کی آنها را " بدون محاکمه " سر بریده است. ولی خود در زمینه گوی سبقت از " استاد " خود ربود . وقتی امین توسط عساکر روسی به قتل رسید ، ببرک مزدور اعلان کرد که امین بیش از یکمیلیون تن را بیگناه کشته است ولی از آنوقت تا اکنون دهها هزار کشته و ملیونها تن دیگر خانه و کاشانه خود را ترک گفته واز بیم ارتش اشغالگر به کشورهای بیگانه پناه برده اند. هزاران تن دیگر در زندانهای جهنمی روس شکنجه می بینند وکشتار اطفال ، زنان و مردمان بی دفاع مناطق مسکونی به مقیاس بی نظیری افزایش یافته است .

آیا میتوان از ارتش اشغالگر استعماری انتظار ترحمی را داشت .

درکجای دنیا ارتش استعماری بر خلق کشور مستعمره ترحم داشته است.

شیوه های ترور و اختناق روسی بعد از تهاجم مستقیم روس به هیچ صورت با شیوه های اختناق تره کی – امین ویا شیوه های استعماری در کشور های دیگر تفاوت نداشتند . چه استعمار روسی حتی برای یکروز هم نمی توانست بدون اتکاء بر ترور و کشتار توده های ملیونی مردم به زندگی نکبت بار خود در کشور ما ادامه دهد . موج تروریسم دولتی و بین المللی روس که توسط دستگاه جهانی کا . گ . ب . سازماندهی میشود و از بمباردمان هوایی مناطق مسکونی تا حملات کوماندوئی بر قریه جات و قصبات بی دفاع کشور ما ، به وجود آوردن زندان های وحشتناک تیپ روسی در مناطق و ولایات مختلف ، اختراع شیوه های شکنجه روانی و فیزیکی تازه ، گسترش شبکه های جاسوسی در سراسر کشور ، تلاشی مداوم و زندانی کردن بدون دلیل ، استعمال بم نا پالم و کیمیای و ماین های ضد پرسونل علیه مردم عادی را احتوا می کند و همگی اشکال ترور و وحشت روس را در مقابل توده های مردم ما نمایش میدهد . ماهیت این ترور نشاندهنده قهر ضد انقلابی و ماوراء ارتجاعی امپریالیسم روس است که به ضد منافع مردم و برای سلب آزادی توده های زحمتکش و به غرض تحقق منافع ازمندانه و استعمارگرانه امپریالیسم روس اعمال میشود . فعالیت های سرکوبگرانه ارتش اشغالگر ، حملات هوایی – زمینی نیروهای مزدور ، فعالیت گسترده کا . گ . ب . ، خاد ، خاندوی، کمیته های دفاع و... زندانها و محکمه های اختصاصی همگی درواقع امتداد این ترور دولتی و بین المللی را نشان میدهد که چگونه یک ابر قدرت امپریالیستی با تکیه بر نیروی نظامی خود و با استفاده از تمام امکانات قهری ، در کشوری که به خاطر آزادی می جنگد و در برابر ملتی تسلیم ناپذیر و قهرمان به دهشت افکنی، ایجاد ترس و وحشت و انتقامجویی کور دست میزند تا مردم مارا به انقیاد وادارد. هم اکنون بیش از یک ملیون تن از فرزندان کشور ما – از پیر مردان و جوانان ، زنان و کودکان – قربانی این ترور گسترده و اختناق بی نظیر امپریالیستی شده اند و دامنه بم گذاری و حملات هوایی آن حتی در میان کشورهای همسایه و میزبان مهاجران ما ، پاکستان ، نیز امتداد می یابد . حملات هوایی بر مرزها و بم گذاری در درون شهر های پاکستان که در این اواخر کسب شدت کرده است در واقع امتداد آن ترور گسترده بین المللی و دولتی امپریالیسم روس است که در افغانستان عزیز ما به شکل مداوم ، گسترده و همه جانبه آن همه روزه اعمال می شود و اکنون مردم مظلوم ما و مردم بیگناه پاکستان را در آنسوی مرز نیز آرام نمیگذارد.

هدف از این موج تروریستی جدید البته چندگانه است :

اولاً امتداد ترس، وحشت و اختناق در میان مهاجران که از دست امپریالیسم روس فراری شده و در کشوری بیگانه پناه گزیده اند . این مردم بدانند که امپریالیسم روس دست از سر آنها برنمیدارد . حتی اگر خانه و کاشانه خود را ترک کرده به کشورهای دیگر نیز پناه ببرند از انتقامجویی امپریالیسم روس نمی توانند فرار کنند :

این بم گذاریها میتواند مجموع سه ملیون مهاجر افغانی را در پاکستان بصورت کتله ای در مظان اتهام همکاری با دستگاه های جاسوسی روس قرار دهد و بدینصورت تخم بی اعتمادی را در بین مهاجران افغانی و برادران پاکستانی شان – که از آنها مانند برادرپذیرائی کرده اند – بکارد .

این بم گذاری ها میخواهد کشور میزبان و برادر ما پاکستان را بی ثبات تر بسازد و مسؤولیت این بی ثباتی را هم نه در پیشروی امپریالیسم روس بطرف جنوب بلکه در بود و باش توأم با مجبوریت و محرومیت مهاجران افغان در خاک پاکستان و انمود سازد .

این بم گذاری ها می خواهد به دولت و مردم پاکستان پیام قهرآمیز امپریالیسم روس را انتقال دهد که به اراده زورگویانه امپریالیسم روس مبنی بر تسلط بیچون و چرای آن در افغانستان گردن بگذارند. در غیر آن سیاست سازان جنایتکار روس تنها به آتش افروزی در افغانستان بسنده نخواهند کرد و آتش جنگ تجاوزی خود را به شهر های پر جمعیت پاکستان نیز امتداد خواهد داد و در این کار قادر هم هستند. بالاخره این بم گذاری ها می خواهد تضاد های اجتماعی و سیاسی جامعه پاکستان را به نفع خود آرایش بدهد تا در آینده و در وقت مناسب از راه تفاعل این تضاد ها و از طریق عوامل مزدور خود در پاکستان تراژیدی افغانستان را – شاید هم به اشکال جدی تر و دردناکتر آن – به پاکستان امتداد بدهد.

ارتجاع با ایجاد ترور، از گریبان استعمار روس سر بیرون می کند:

ارتجاع در طول تاریخ همواره چوبدست آماده و بی آزمون استعمار بوده است. خون میر مسجدی ها، ملا مشک عالم ها و میر بچه ها نه به طور مستقیم توسط استعمار بلکه به دست عوامل بومی آن ریخته شد.

تضاد های مرحله ئی میان استعمار معین و جناح مشخص از ارتجاع نمی تواند بر روی همسرشتی و همسرشتی این دو دشمن خونخوار ملت ما و مردم قهرمان ما پرده بیفکند.

ارتجاع هار و لجام گسیخته کشور ما – به ویژه بعد از کودتای ننگین هفت ثور – بنابر اوضاع و شرایط مشخص دو باره سر بلند کرده است و می خواهد با استفاده از مبارزات قهرمانانه و دلیرانه مردم ما به کمک اربابان خارجی خود قدرت از دست رفته خود را به طور کامل بدست بیاورد و یا در صورتیکه این امکان منتفی گردد، با استعمار روس یکجا در " تقسیم قدرت " سهیم و سرنوشت مردم ما را لگدمال نماید. هم اکنون جناح های مختلف ارتجاع مشغول ساخت و باخت و چانه زنی با امپریالیسم روس اند تا در تقسیم قدرت آینده جایگاه نسبتا بهتری به دست آورند. "ترازو بر زمین زدن" ها و " نه گفتن " های آنها نیز کرشمه تهوع آور عجزه خود فروشی را ماند که هم از گذشت روزگار خود در دل مأیوس است و هم با گذشت زمان حرص شهوتش برای استفاده جوئی "به هر قیمتی" به رسوائی کشیده است. چه کسی شک دارد که نماینده جوان و سرسخت عقب گرائی و ارتجاع که دیروز دست در دست امین خونخوار حاضر به تقسیم قدرت بود، اکنون در تقسیم قدرت با نجیب خادیسست به خود تزلزلی راه دهد. منتها اگر دیروز این توافق خود را در همخونی قبیله ئی نمایان می ساخت، امروز باید در همگونی تروریستی نشان داده شود.

تروریسم ارتجاعی مشخصه خود را در پوشش مذهبی می یابد. ارتجاع با همه جناح های آن – خود را در لفافه مذهبی پوشانده است تا از احساسات پاک دینی مردم ما برای منافع آزمندانه و جنایتکارانه خود سوء استفاده نماید.

ارتجاع تمام نیرو های مترقی، انقلابی و مستقل را با چوب تکفیر میزند و اغواگران و نیرو های دلیر مقاومت ملی را که بهترین، آگاهترین مصمم ترین و پر آوازه ترین رهبران جنبش آزادیبخش ملی ما را در محراب آزادی برای قربانی پیشکش کرده اند، در صف پرچمی ها، خلقی ها و ستمی ها قرار میدهد. اعلامیه ها و برنامه های ننگین این گروه همیشه "شعله ئی"، افغان ملتی، مساواتی و عناصر مستقل، همگی را به کفر و الحاد متهم میسازد.

و تمام مخالفین سیاسی خود را در صف و ظن فروشان پرچمی و خلقی قرار میدهد. و از آنها گذشته هر کدام از این احزاب در اغواگری و عوامفریبی خود تا آن حدی پیش رفته اند که هر کدام با آیت وحدیت بارها ثابت کرده اند که تمام احزاب دیگر و رهبران آنها به جز خود ایشان کافر، ملحد و دشمنان اسلام اند!

این سفسطه سیاسی که اکنون به نام مذهب در صحنه سیاست مقاومت ملی ما جریان دارد، در پهلوی امپریالیسم روس بزرگترین ضربات را بر پیکر مقاومت ما زده است. چه این سفسطه سیاسی عوامفریبانه در لباس مذهب

آنچنان محیط خفقان آور و رعب انگیزی ایجاد کرده است که هزاران تن از جوانان روشنفکر و روشن بین جامعه ما که با هزار آرزو از جنگال امپریالیزم روس گریخته اند تا به صفوف مقاومت بپیوندند ولی جو ترور و وحشت ایجاد شده در پشت جبهه - به خصوص در پاکستان - آنچنان ترسناک و هول انگیز بوده که آنها کمتر جرأت کرده اند در آنجا رحل اقامت بيفکنند .

اکنون که مدت ده سال از مقاومت سلحشورانه مردم ما میگذرد ، ارتجاع با استفاده از اوضاع مساعد منطقه و بین المللی توانسته است زیر ساخت " شبه دولتی " خود را در ساحت اداری تکمیل کند ، که در هر کدام از این احزاب " دفتر اطلاعات " " شبکه کشف و خبر " و ... جایگاه بخصوصی دارد . آنچه در بین میان قابل تذکر است اینکه درین " دفتر " ها و " شعبه " ها ، بد نام ترین و مشکوک ترین عناصر به عنوان مسؤولین و همکاران جامی گیرند و از جانب دیگر این " دفتر " ها و " شعبه " ها جایی برای کشف و خنثی کردن فعالیتهای روسی و خاد نه ، بلکه به عنوان تازیانه ای علیه مردم اشتراک کننده در مقاومت ملی نقش بازی می کنند .

اکنون دیگر این مسأله افشاء شده است که احزاب عقب گرا در طی سالهای گذشته بیش از هشت هزار تن از جوانان افغانی را در پاکستان سر به نیست کرده اند و اکثریت این جوانان دلباختگان بیدریغ آزادی و ترقی اجتماعی و دشمن سرسخت امپریالیسم روس بوده اند . دزدیدن افراد ، دام گذاری برای افراد احزاب مخالف ، سوء قصد علیه قومندان های دلاوری که با رهبران این احزاب ارتجاعی خرده حساب هائی دارند ، کار روزمره این احزاب است .

و دستگاه های طویل و عریض " اطلاعاتی " آنها مشغول سازماندهی عملیات ضد برادران مجاهد هستند ، در حالیکه عوامل خاد در پهلوی آنها در دفتر های شان لمیده و در بهترین صورت برای برادر کشی شان نقشه تهیه می کنند . این ترور ارتجاعی نیمرخ دیگر همان ترور استعماری است که در داخل جبهات نیز به کمک عوامل جاسوس روس و دولت مزدور به شکل لشکرکشی های مداوم علیه نیروهای مقاومت ، خلع سلاح کردن ها ، کمین کردن و کشتار مخالفان ، زیر فشار قرار دادن و به هدر دادن نیروی سازمانهای دیگر مقاومت و بالاخره تسلیمی هر دوطرف متخاصم به دولت مزدور ، ادامه دارد . همزمان با نزدیکی هائی میان ارتجاع و استعمار در زیر چتر " مصالحه ملی " روسی و دادن طرح " عملی " برای " حل سیاسی " از طرف احزاب عقب گرا ی پشاورنشین در پاسخ به " مصلحه ملی " نجیب خاد ، دست درازی عناصر تروریستی ارتجاعی علیه نیروهای مترقی و ملی روزبه روز کسب شدت می کند .

چندی قبل دوتن از کادر های سیاسی - نظامی ما نیز از پشاور ناپدید گردیدند . تحقیقات ما خیلی زود این مسأله را روشن ساخت که این دوتن مبارز قهرمان که از مبارزات ضد روسی خود حماسه ها ساخته بودند در کام نهنگ آدم خوار ارتجاع جان خود را از دست داده اند . دام گذاری برای کادر های قهرمان ، سازمان ما را متوجه این نکته ساخت که سرمدمداران ارتجاع عده زیادی از عنا صر ملی و انقلابی را زیر تعقیب گرفته و میخاوه در وقت مناسب - شاید با توافق با اربابان پشت پرده خود و استعمار روسی - آنها را تصفیه و از سر راه خود - که همدستی و همنوائی با اشغالگر روس است- بردارند.

تروریسم استعماری و تروریسم ارتجاعی هدف واحدی را دنبال می کنند:

از آغاز کودتای هفت ثور تا کنون جانمایه مبارزات ضد استعماری ملت ما راحضور فعال سیاسی توده های ملیونی مردم در صحنه مبارزه میسازد .

باوجود اینکه جنبش آزادیبخش ملی ما به طور خود به خودی آغاز یافت و تا اکنون هم عمده به همان صورت به پیش میرود ، تمام کوشش و تلاش استعمار و ارتجاع در اینست تا مردم را از حضور فعالان سیاسی محروم سازد . هم

استعمار با بمباردمان ها، کشتار ها ، زندان ها و پیگردهایش و هم ارتجاع با تکفیرکردن ها ، دام گذاری ها و آدم دزدی هایش هدفی جز بیرون کشیدن مقدرات مردم از دست پرتوان شان ندارند .

استعمار روس و اربابان تنظیم های عقب گرای پشاورى از مردم می ترسند . از آزادی افکار و بر خورد مسؤولانه و هدفمند افکار و تلقیات گوناگون با همدیگر، در هراس اند . استعمار روس میگوید : به جز از بردگی من دیگر همه راه ها به دامن ارتجاع و امپریالیسم منتهی می شود . و ارتجاع میگوید : به جز از سر فرود آوردن در مقابل من دیگر همه راه ها کفر و الحاد است . در حالیکه اکثریت مردم ما هم از استعمار بیزار است و هم از ارتجاع . محبوس کردن مردم در قفس تنگ افکار و تلقیات استعماری و ارتجاعی و دورکردن مردم از فعالیت آزاد سیاسی هم هدف استعمار روس است و هم خواست ارتجاع هار دهن پاره . و ابزار این دور ساختن نیز جز به وسیله ترور ، اختناق ، به وجود آوردن محیط ترس و رعب و استفاده از وسایل کشتار جمعی و تصفیه های جدی چیز دیگری نیست . در محراق هدف این تروریسم نیروهای ملی و انقلابی و پیش آهنگان آگاه و از خود گذر آن قرار دارد . جای تعجب نیست که هم استعمار لجام گسیخته روس از نیروهای ملی – انقلابی (با نسبت دادن اسم بی مسمای شعله ئی) به عنوان بزگترین خار آتیه یاد می کند و هم ارتجاع هار . و هم جای تعجب نیست که استعمار و ارتجاع هر دو بر ناسیونالیسم آزاد منش افغانی به عنوان کفر – کفر سیاسی و مذهبی – یکجا لعنت میفرستد . همدستی استعمار و ارتجاع در قطبی کردن جامعه و سیاست ها در دایره نفوذ دو نیروی ناخواسته اجتماعی و از صحنه دور کردن نیروهای ملی و انقلابی و نیروهای مستقل از دایره ابر قدرت ها نمیتواند فقط به عنوان یک تصادف و یا بازی تقدیر تلقی شود . این یک سیاست مشترک هدفمند و قبول شده هر دو دشمن قسم خورده ملت ماست .

نکاتی پیرامون مبارزه علیه تروریسم

جامعه ما در گیر تناقضات گونه گونه اجتماعی است و با ید خود را از طریق پیاده کردن اشکال متعدد مبارزاتی از چنبر این تناقضات رهائی بخشد . تروریسم دولتی و بین المللی امپریالیسم روس را نمی توان جز با شکست کامل روس در کشور ما و سر نگونی قهری رژیم دست نشانده آن از بین برد . این ناشی از ماهیت جنایتکارانه و قدرت عظیم امپریالیستی روس برای خرابکاری قتل و کشتار انسانها در سراسر دنیا است . هرگونه توهمی مبنی بر اینکه گویا از طریق وعظ و ارشاد و یا از راه دادن امتیازات برای امپریالیسم روس و چوچه سگان پرچمی و خلقی اش می توان مردم را از چنگال تروریسم بی رحم روسی نجات داده ره به سراب می برد . تجربه تاریخی بشریت در جنگ جهانی اخیر نشان داده که نرمش در مقابل فاشیسم هیتلری ، دادن امتیازات سیاسی و جیوپولتیکی برای رژیم نازی آلمان ، جهان را به خاک و خون کشاند و چهل میلیون انسان بیگناه را قربانی حرص و آز سیری ناپذیرایش سوم گردانید . نرمش در مقابل امپریالیسم تجاوزکار روس ، دادن امتیازات برای آنها فقط میتواند ملل و مردم دیگری را درکام این اژدهای آدم خوار جادهد .

بدینصورت تروریسم به عنوان خصلت ذاتی ، ماهوی و لازم امپریالیسم روس فقط با شکست قطعی این جهان خوار در کشور ما و بیرون رفتن جبری آنها از میهن ما ، سرنگونی کامل حکومت دست نشانده خیانت ملی " پرچمی - خلقی " میسر است .

این یگانه راه جلوگیری از تروریسم گسترده و بیحد و مرز روسی در کشور ماست .

مبارزات سیاسی ، مبارزات دیپلماتیک ، فعالیت های بشر دوستانه ، مؤسسات حقوق بشر ، جمعیت عفو بین المللی ، جمعیت های حقوقدانان و فعالیت های کمیته های همبستگی و ... صدها فعالیت های دیگر فقط میتواند در خدمت مبارزات مسلحانه آزادیبخش ملت قهرمان ماکارگر بیفتد و مستقلانه هیچگونه نقشی نمیتواند بازی کنند .

در مقابله با تروریسم کور ارتجاع که در شرایط کاملاً بغرنج و حساس کنونی دهن باز کرده است باید نهایت هوشیاری خود را به خرج دهیم تا اولاً تروریسم تحمیل شده از جانب ارتجاع مارا از وظایف بزرگ مبارزه ضد استعمار روس باز ندارد. باید نهایت کوشش را به خرج داد تا تناقضات آشتی ناپذیر ایجاد شده توسط ارتجاع خط سیر کلی مبارزات ضد استعماری نیروهای ملی و انقلابی را خدشه دار نسازد.

این مسأله ایست مربوط به ستراتژی انقلاب که در تحت هیچ شرایطی نباید آنرا تخطئه کرد و یا به آن کم بها داد. ولی در عین حال باید باتمام نیرو جلو این تروریسم را گرفت این فاز جدید از مبارزه است که باید متناسب با آن تاکتیک هائی ارائه داد. به نظر ما این جلوگیری در پهلوی افشاء گریه های سیاسی، همچنان آمادگی نظامی، کار آگاهانه در میان توده های مردم، ایجاد فشار بر عناصر رجحانیت کار تا از فعالیت های تروریستی خود دست بردارند، تغییر در اشکال مبارزاتی و ... همه را باید شامل گردد که در محراق همه اینها - در شرایط کنونی - باید کار روشنگرانه و بسیج گرانه توده های ملیونی مردم ما قرار داشته باشد. بدینصورت مخدوش نکردن خط فاصل ما و امپریالیسم روس و جلوگیری با تمام وسایل و امکانات از گسترش تروریسم ارتجاعی در واقع کنه مبارزه ضد تروریستی نیروهای ملی و انقلابی را میسازد. استعمار روس و ارتجاع سیاه که در پیشبرد جنگ، ناکامی شانرا احساس کرده اند و تعفن بدنامی شان همه جا منتشر شده است، در یک تبنائی و هموائی کامل و نقشه مند میخوانند با کشاندن میدان جنگ به پشت جبهه کشور های میزبان و به ویژه پاکستان از فروزندگی آتش مقدس نبرد ضد روسی در داخل بکاهند، و به ازای آن آتش جنگی را در کشور های میزبان بین افغانها بر افروزند تا عناصر ملی و انقلابی را در آنسوی مرز ها بسوزاند: و از سوی دیگر با اشاعه تروریسم در کشورهای همجوار، مهاجر و میزبان را به جان هم اندازند تا هم عناصر مخالف شان - که در چنبر امنیتی تنظیم ها نیستند - تصفیه شوند و هم فشاری در پشت جبهه به وجود آورند تا به این بهانه ها زمینه آشتی استعمار - ارتجاع فراهم آید. ما به کلیه نیروهای میهن دوست فراخوان میدهم که با هوشیاری کامل این پلان شوم را خنثی و افشاء نمایند. کشورهای میزبان نیز وظیفه دارند ضمن برخورد مسؤولانه به امنیت مهاجران، به ویژه مهاجران غیر وابسته به تنظیم های ارتجاعی، جلو دهاره های بی لجام تروریست را نیز لجام زنند. به رفقای مهاجر خود توصیه میکنیم که قوانین و مقررات کشور میزبان را تا آنجا که به آنها مربوط است مراعات کنند، ولی عوامل استعمار - ارتجاع نیز در پاکستان و یا هر جای دیگر باید بدانند که همچنانکه بر آتش نبرد ضد روسی درسنگر ها می افزائیم، در صورت لزوم بر مغز آتشگران تروریسم نیز با شیوه های مناسب خواهیم کوبید.

موانع مبارزه ضد استعماری را هشیارانه به کمک توده های مردم از سر راه برداریم:

ارزیابی دقیق اوضاع نشاندهنده اینست که مبارزات آزادیبخش مردم ما اکنون در چرخشی نهایت حساس قرار گرفته است. از یکجانب استعمار روس بعد از ده سال قتل و کشتار به این نتیجه رسیده است که اراده رزمجویانه ملت قهرمان افغانستان، بر ماشین جنگی غول پیکر استعمار روسی غلبه حاصل می کند و در صورتیکه امپریالیسم روس خیره سری نشان دهد، این جنگ میتواند سالهای متمادی دوام یابد که در فرجام آن نیز جز شکست امپریالیسم روس و شکاف برداشتن امپراتوری نا پیدا کرانه آن و پیروزی مردم قهرمان افغانستان، چیزی دیگری دیده نمیشود. از جانب دیگر نیروهای ارتجاعی و اربابان پشت پرده آنها نیز روز تا روز متوجه می شوند که دلقک های ساخته و پرداخته آنان نیز نمیتوانند همگام با مردم قهرمان افغانستان بجانب سرزمین آزادی حرکت کنند. تنفر مردم از احزاب ارتجاعی و عقب گرا روز افزون است. انشعابات در میان این احزاب مسأله هرروزه و فساد و گندگی درونی آنان اکنون " به عالم سرشده " است.

مجموع این ضعف ها و کمبود ها همراه با مجموع این جانفشانی ها و قهرمانی ها اکنون خود را در نقطه ای متمرکز ساخته است که ادامه مبارزه مسلحانه یا عقب گشت از آن، دادن امتیازات به امپریالیسم روس و یا پافشاری روی آزادی کامل به قدرت رسیدن ارتجاع بی کفایت و مردود و یا ظهور نیروهای تازه نفس تاریخی و بالاخره انقیاد و بردگی مخفی و یا آزادی واقعی برای وطن و هموطن ، همگی در میزان تاریخ قرار دارد.

در چنین شرایطی نیروهای ملی و انقلابی باید هوشیار باشند که دشمنان رنگا رنگ مردم میخواهند قبل از همه آن نیروهائی را از سر راه خود بردارند که میدانند آنها رهکشایان واقعی این ملت و رهبران پیروزمند آتیۀ مردم اند . تروریسم گسترده استعمار و ارتجاع نشانه ضعف عمیق این دشمنان مردم ، شکست سیاست های آنان و نشانه جدیت ، استواری و اهمیت روزافزون نیروهای ملی و انقلابی است . این اهمیت که از خلال تجارب ، پیشرفت ها و عقب گشت ها ، دویدها و افتیدنها بطور واقعی و از درون تحرک ذاتی مقاومت مردم ما به وجود آمده است ، باید از بالقوه به بالفعل ، از پراکندگی به انسجام ، از تابعیت به تسلط و از محدودیت به جانب گستردگی سیر کند ؛ و این در صورتی میسر است که نیروهای ملی و انقلابی برپایۀ مبارزه همه جانبه علیه امپریالیسم روس صفوف خود را فشرده تر ساخته و به عنوان یک نیروی موثر و مستقل ملی هم از توطئه های بین المللی در قضیه افغانستان جلوگیری نمایند و هم ارتجاع ها و لجام گسیخته را از اعمال تروریسم کور علیه مردم و مبارزان ملی باز دارند .

ارتجاع مردود و مأیوس ، باید این نکته را درک کند که نیروهای ملی و انقلابی با ترور و دام گذاری برای این یا آن فرد ، سرکوبی این یا آن جبهه نظامی ، با غرش های سعبانه و با تجاها و عارفانه از بین نمیروند . این نیروها با نیاز تاریخی جامعه و مردم ما به وجود آمده ، در بوته مبارزه ضد استعماری پرورش و قوام یافته و در مسیرت خونبار این ملت راه خود را به طرف سعادت واقعی مردم ، به طرف آزادی ملی کامل ، دموکراسی واقعی و پیشرفت اجتماعی سالم باز می کنند.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق

ثبت است بر جریدهء عالم دوام ما

پایان

اقتباس از ندای آزادی ارگان نشراتی سازمان آدیبخش مردم افغانستان "ساما" شماره شانزدهم سال هفتم

عقرب ۱۳۶۶

ترتیب کننده تایپ کمپیوتری و فرستنده: طارق